



## جمعه‌های انتظار؛ دو تفسیر از مفهوم «غیبت» امام عصر(عج)

با توجه به روایات وارد شده درباره غیبت امام مهدی (ع) می‌توان گفت در مورد چگونگی غیبت آن حضرت، دو صورت قابل تصور است؛ ناپیدا بودن امام و ناشناس بودن امام.

با توجه به روایات وارد شده درباره غیبت امام مهدی (ع) می‌توان گفت در مورد چگونگی غیبت آن حضرت، دو صورت قابل تصور است؛ ناپیدا بودن امام و ناشناس بودن امام.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

با توجه به روایات وارد شده درباره غیبت امام مهدی (ع) می‌توان گفت در مورد چگونگی غیبت آن حضرت، دو صورت قابل تصور است: [۱]

### الف) ناپیدا بودن امام

اولین صورت، همان است که به طور متعارف در اذهان مردم در مورد غیبت آن حضرت وجود دارد؛ یعنی اینکه امام مهدی (ع) در طول مدت غیبت خویش از نظر جسمی از نظر مردم دور است و اگرچه آن حضرت در این مدت، مردم را می‌بیند و از حال آنها باخبر می‌شوند، ولی کسی توان دیدن ایشان را ندارد و با حضرتش روبه‌رو نمی‌شود.

نعمانی در کتاب الغیبة، چهار روایت نقل می‌کند که همه بیانگر همین صورت اول است. از جمله این روایات چهارگانه، این روایت امام صادق (ع) است که می‌فرماید: يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ [المؤسّم] قِيَرَاهُمْ وَ لَا يَرَوْنَهُ. [۲] [در زمان غیبت] مردم، امام خویش را نمی‌یابند. با اینکه او در موسم [حج] حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند، ولی کسی او را نمی‌بیند.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین نقل می‌کند که امام رضا (ع) در پاسخ کسی که از آن حضرت در مورد قائم آل محمد (ص) پرسید، می‌فرماید: «لَا يُرَى جِسْمُهُ، وَ لَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ»؛ جسم [آن حضرت] دیده نمی‌شود و به اسم نام برده نمی‌شود». [۳]

امیرمؤمنان علی (ع) نیز در روایتی می‌فرماید: إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا فَائِمَّةٌ، مَاشِيَةٌ فِي طَرْفِهَا، دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا، جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذَا الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَمِّى عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَ لَا تُرَى إِلَى الْوَقْفِ وَ الْوَعْدِ وَ نِدَاءِ الْمُتَنَادِي مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا ذَلِكَ يَوْمٌ فِيهِ سُرُورٌ وُلِدَ عَلِيٌّ وَ شِيعَتُهُ. [۴]

حجت خدا بر روی زمین بر آن ایستاده است. در راه‌های آن حرکت می‌کند و در قصرها و خانه‌های آن داخل می‌شود. او شرق و غرب زمین را در می‌نوردد. سخنان مردم را می‌شنود و بر جماعت آنها سلام می‌کند. او مردم را می‌بیند، ولی کسی او را نمی‌بیند تا زمانی که وقت ظهور در رسد و وعده الهی تحقق یابد و ندای آسمانی طنین‌انداز شود. همانا آن روز، روز شادی فرزندان علی و شیعیان اوست.

حاصل روایات بالا این می‌شود که در طول زمان غیبت، به دلیل مصالحی که پس از این به آنها اشاره خواهیم کرد، امام عصر (ع) به کلی از دیدگان مردم غایب است و جز در موارد بسیار اندک و آن هم در مقابل بندگان خاص خداوند حاضر نمی‌شود.

### ب) ناشناس بودن امام

صورت دومی که برای غیبت حضرت ولیّ عصر(عج) می‌توان تصور کرد، این است که اگرچه آن حضرت در طول زمان غیبت در میان مسلمانان حضور می‌یابد و با آنها برخورد می‌کند، ولی کسی آن امام را نمی‌شناسد و به هویت واقعی ایشان پی نمی‌برد. بنا بر این فرض، امام مهدی (ع) در هر شهر و مکانی که اراده کند، حضور می‌یابد و مانند دیگر مردم به زندگی می‌پردازد، ولی کسی از حقیقت حال ایشان آگاه نمی‌شود.

روایاتی وجود دارد که می توان از آنها صورت دوم را استفاده کرد که از آن جمله باید به روایتی اشاره کرد که شیخ طوسی در کتاب الغیبة از دومین نایب خاص آن حضرت؛ یعنی محمد بن عثمان عمری نقل می کند: وَ اللَّهُ رِلْمًا؛ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لِيَحْضُرَ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِقُهُمْ وَيَرَوْتَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. [۵]

به خدا سوگند، صاحب این امر هر سال در موسم [حج] حضور می یابد، در حالی که او مردم را می بیند و آنها را می شناسد، ولی مردم با اینکه او را می بینند، وی را نمی شناسند.

امام صادق (ع) نیز درباره غیبت آن حضرت چنین می فرماید: قَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ يَخْجِيهِ مَا فَعَلَ يُيُوسِفُ وَ أَنْ يَكُونَ صَاحِبُكَ الْمَظْلُومُ الْمَحْجُورُ حَقَّةً صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ فُرْشَتَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ أَنْ يَعْرِقَهُمْ نَفْسَةً كَمَا أَذِنَ لِيُيُوسِفَ حِينَ قَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ: «أَيُّكَ لَأَنْتَ يُيُوسِفُ قَالَ آتَا يُيُوسِفُ». [۶] و [۷]

چگونه این مردم، این موضوع را که خداوند با حجتش همان گونه رفتار می کند که با یوسف رفتار کرد، انکار می کنند؟ همچنین چگونه انکار می کنند که صاحب مظلوم شما همان که از حقتش محروم شده و صاحب این امر [حکومت] است در میان ایشان رفت و آمد می کند، در بازارهایشان راه می رود و بر فرش آنها قدم می نهد، ولی او را نمی شناسند، تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد که خودش را معرفی کند، همچنان رِلْمًا؛ که به یوسف اجازه داد، آن زمان که برادرانش از او پرسیدند: «آیا تو یوسف هستی؟» پاسخ دهد که «بلی، من یوسف هستم».

بنابراین فرض، برای حفظ امام مهدی (ع) از شر دشمنان لازم نیست که آن حضرت از نظر جسمی از جامعه دور و از دیدگان پوشیده باشد، بلکه همین قدر که ایشان در میان مردم شناخته نشود و هویت حضرتش بر آنها پوشیده بماند، کفایت می کند. شاید از همین روست که ائمه اطهار (ع) از مردم می خواستند نام و عنوان مهدی (ع) را پوشیده دارند و در پی شناسایی حضرتش نباشند. در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام زمان (ع) برای محمد بن عثمان، نایب خاص آن حضرت، صادر شده، در پاسخ کسانی که در پی دانستن اسم و عنوان حضرتش بودند، آمده است: إِمَّا السُّكُوتَ وَ الْجَمَّةَ وَ إِمَّا الْكَلَامَ وَ النَّارَ، فَإِنَّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَزَاعُوهُ، وَ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ. [۸]

مردم یا باید سکوت کنند و در نتیجه، بهشت را برگزینند یا در پی سخن گفتن [از مهدی] و در نتیجه، داخل شدن در دوزخ باشند؛ زیرا مردم اگر بر نام آن حضرت واقف شوند، آن را منتشر می سازند [و در نتیجه، دشمنان نیز باخبر می شوند] و اگر از جایگاه او آگاه شوند، آن را به دیگران نیز نشان می دهند.

از این توقیع به دست می آید که حضرتش با پنهان داشتن نام و عنوان و مکان خویش به راحتی می تواند از شر دشمنان در امان باشد. در این صورت، دیگر نیازی نیست که حتماً آن امام از نظر جسمی هم از نظرها به دور باشند.

آنچه معنای دوم را تأیید می کند، سخنان کسانی است که در زمان غیبت کبرا آن حضرت را دیده و حالات مختلفی را برای حضرتش برشمردند؛ رِلْمًا؛ اند. چنان رِلْمًا؛ که از سخنان آنها برمی آید حضرت مهدی (ع) گاه در موسم حج و با لباس احرام همچون دیگر حجاج با آنها روبه رِلْمًا؛ رو می شود؛ گاه در لباس تجار و شمایللی که مخصوص تجارت رِلْمًا؛ پیشگان است، گاه در صورت یک عرب معمولی که در بیابان ها راه را بر گم رِلْمًا؛ شدگان می نمایاند و نظیر آن. این موضوع حکایت از این دارد که حضرت مهدی (ع) از نظر ظاهری، با انتخاب پوشش های مختلف، هویت واقعی خود را از دیدارکنندگان پنهان داشته است و بیشتر آنان در نگاه اول موفق به شناخت آن حضرت نشده رِلْمًا؛ اند. تنها پس از جدا شدن آن جناب از ایشان، به هویت واقعی شخصی که با او دیدار کرده رِلْمًا؛ اند، پی برده رِلْمًا؛ اند. [۹]

پی نوشتها:

[۱]. سید محمد صدر، تاریخ الغیبة الکبری، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۵ هـ. ق، صص ۳۱، ۳۶.

[۲]. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۱۷۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۶، ج ۳۳.

[۳]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۵۶، ص ۶۴۸، ج ۲.

[۴]. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۱۴.

[۵]. کتاب الغیبة (طوسی)، ص ۲۲۱.

[۶]. سوره یوسف (۱۲)، آیه ۹۰ و ۹۱.

[۷]. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۱۶۴؛ الکافی، ج ۱، صص ۳۳۶-۳۳۷، ح ۴.

[۸]. کتاب الغیبة (طوسی)، ص ۲۲۲.

[۹]. ر. ک: همان، صص ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۸۱ و ۲۵۸؛ ر. ک: میرزااحسین نوری، نجم‌الثاقب، چاپ نهم: قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴، صص ۱۲۹-۵۰۷.  
کد خبر